

تحلیل گفتمان پلیس - متهم در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی

مژگان صبری^{۱*}، اعظم استاجی^۲، محمود الیاسی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه حکیم سبزواری

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۴

Analysis of Police-Suspect Discourse at the Field of Forensic Sociolinguistics

Mojgan Sabri^{1*}, Azam Estaji², Mahmoud Elyasi³

1. PhD Candidate in Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad

2. Associate Professor of Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad

3. Assistant Professor of Linguistics, Hakim Sabzevari University

Received: 2018/01/26 Accepted: 2018/07/26

Abstract

The first purpose of this essay is to introduce forensic sociolinguistics and its usages in forensic discourse analysis. Forensic sociolinguistics is a new branch of applied linguistics related to the law and legal processes of society. In this field of scientific study, it is believed that social factors should be considered in analyzing discourses in forensic context. The second purpose is to recognize the police-suspect discourse structure and to survey the role of police in this discourse. To do this, 15 discourse events of police interviews in forensic situation of Tehran have been surveyed analytic-descriptively. To analyze the data, the pattern of study suggested by Malcolm Coulthard and Alison Johnson (2007) in analyzing interviews of English speakers has been utilized; therefore, a descriptive framework for analyzing forensic discourse of Persian speakers are prepared. The results of this research show that in interviewing, police have a particular version of events in mind that they are attempting to confirm; they persuade suspects to confess. Therefore, police-suspect discourse in forensic situation has goal-oriented interview structure. Social functions of language which are introduced in functional linguistics help police achieve their forensic goal which is to elicit a voluntary written confession from suspects.

Keywords: Forensic sociolinguistics, Functional linguistics, Forensic discourse analysis, Forensic context, Police-suspect discourse.

چکیده

اولین هدف این مقاله معرفی زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی و کاربرد آن در تحلیل گفتمان قضایی است. زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی شاخه‌ای نوپا است که از زبان‌شناسی کاربردی منشعب شده و با فرایندهای حقوقی و قانونی جامعه در ارتباط است. در این حوزه علمی اعتقاد بر این است که در تحلیل گفتمان در بافت قضایی، عوامل اجتماعی باید در نظر گرفته شوند.

دومین هدف، شناخت ساختار گفتمان پلیس-متهم و بررسی نقش پلیس در این گفتمان است. بدین منظور پانزده رویداد گفتمانی مربوط به جلسات بازجویی پلیس در موقعیت قضایی شهر تهران به صورت توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند. در تحلیل داده‌ها از روش مالکولم کلتارد و آلیسون جانسون (۲۰۰۷)، که در تحلیل جلسات بازجویی انگلیسی‌زبانان به کار برده‌اند، و از تقسیم‌بندی نقش‌های اجتماعی زبان (هلیدی، ۱۹۷۳) استفاده شد و، در نتیجه، در این پژوهش چارچوبی توصیفی برای تحلیل گفتمان قضایی فارسی‌زبانان تدوین شد.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در جلسات بازجویی، پلیس تصویری از شرح واقعه را در ذهن دارد و به منظور ترغیب متهمان به اعتراف، اقدام به پرسش‌گری می‌کند. از این رو، گفتمان پلیس-متهم در بازجویی قضایی از ساختاری هدفمند برخوردار است. نقش‌های اجتماعی زبان که در حوزه زبان‌شناسی نقش‌گرا معرفی شده‌اند در رسیدن به هدف قضایی، که گرفتن اقرار مکتوب و داوطلبانه از متهمان است، به پلیس کمک می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی، زبان‌شناسی نقش‌گرا، تحلیل

گفتمان قضایی، بافت قضایی، گفتمان پلیس-متهم.

*Corresponding Author: Mojgan Sabri

Email: mo_sa144@stu-mail.um.ac.ir

* نویسنده مسئول: مژگان صبری

مقدمه

بخش اعظم فعالیت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی افراد در طول زندگی در چارچوب قانون صورت می‌گیرد و در قالب زبان جاری می‌شود. ثبت تولد و وفات، صدور شناسنامه، ثبت‌نام در مراکز آموزشی و دریافت گواهی‌نامه‌های تحصیلی، صدور گواهی‌نامه رانندگی، ثبت و صدور مدارک استخدام، ازدواج، طلاق، وصیت‌نامه، بیمه، چک، تنظیم قراردادها، صورت‌جلسات، اساسنامه شرکت‌ها، اسناد املاک و اراضی، تنظیم شکوائیه و اقامه دعوی حقوقی و کیفری و موارد مشابه، از نمونه فعالیت‌های اجتماعی هستند که در قالب زبان تحقق می‌یابند و برای افراد مسئولیت قانونی ایجاد می‌کنند. بی‌تردید بررسی نقش ارتباطی-اجتماعی زبان از منظر جنبه حقوقی و قضایی آن، فصل مشترکی میان دو حوزه «زبان‌شناسی اجتماعی»^۱ و «زبان‌شناسی حقوقی»^۲ ایجاد می‌کند. جان گیبونز^۳ (۲۰۱۷) به‌منظور تأکید بر ارتباط ناگسستگی جامعه و زبان در بافت اجتماعی-حقوقی، در مقاله اخیر خود، اصطلاح «زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی»^۴ را جایگزین «زبان‌شناسی حقوقی»^۵ نموده و خاطر نشان کرده است که هرگونه مطالعه و بررسی جنبه حقوقی زبان بدون در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، از صحت کافی برخوردار نخواهد بود.

یکی دیگر از صاحب‌نظران این حوزه دایانا ایدز^۶ است، که بیش از دو دهه به پژوهش پیرامون موضوعات اجتماعی در حوزه زبان‌شناسی حقوقی پرداخته است. وی در سال ۲۰۱۰ با انتشار کتاب *زبان‌شناسی اجتماعی و روند حقوقی*^۷، ضمن بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر زبان و تأکید بر اهمیت نقش ارتباطی-اجتماعی زبان در سیستم قضایی، مبحث جدیدی را در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی مطرح کرد. ایدز تلاش نمود با استفاده از یافته‌ها و نظریه‌های مطرح در این حوزه به روند حقوقی رسیدگی به پرونده‌های قضایی سرعت دهد.

در مقاله حاضر، ضمن معرفی حوزه نوپای زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی و شیوه کار در آن، بر این موضوع تأکید

می‌شود که زبان یک نیاز ارتباطی-اجتماعی است که در شرایط خاص برای کاربران خود در جامعه مسئولیت حقوقی ایجاد می‌کند و عاملی سرنوشت‌ساز در موقعیت‌های قضایی است. یکی از موقعیت‌های اجتماعی-قضایی که نحوه به‌کارگیری زبان در آن برای طرفین مکالمه سرنوشت‌ساز به‌نظر می‌رسد، جلسات بازجویی در بخش تجسس کالنتری‌ها است. در این جلسات، تعاملات زبانی بین بازجویان و متهمان موجب ظهور نوعی گفتمان حقوقی در ژانر پلیسی می‌شود. این نوع گفتمان تحت تأثیر بافت موقعیتی قضایی تابع اصول و قوانینی است. از آنجا که قوانین ریشه در عوامل اجتماعی دارند، لذا بررسی و تحلیل گفتمان در بافت قضایی، از یک سو ارتباط عوامل اجتماعی با گفتمان قضایی، و از سوی دیگر ویژگی‌های زبانی این نوع گفتمان را نشان می‌دهد.

تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی با هدف بررسی جنبه حقوقی زبان و تحلیل و آسیب‌شناسی گفتمان در موقعیت‌های قضایی انجام شده است. در همه این تحقیقات یک شاخص یا ویژگی زبانی در کل محتوای گفتمان بررسی شده است. آنچه روش تحقیق کلتارد^۸ و جانسون^۹ (۲۰۰۷) را در میان پژوهش‌های زبان‌شناختی در حوزه مطالعاتی تحلیل گفتمان انتقادی^۹ برجسته ساخته، توجه به این نکته است که فرایند اجرایی گفتمان‌ها بر ساختار و محتوای آنها تأثیر می‌گذارد. این دو زبان‌شناس بر این باورند که بسیاری از گفتمان‌ها متمرکز بر نقش‌های صنف و گروهی خاص تولید می‌شوند. اهداف صنفی چون نهادهای حقوقی، مراجع قضایی و گروه‌های اجتماعی، از قبیل حقوق‌دانان، وکلا، قضات و ضابطین قوه قضائیه، عاملی برای ساخت گفتمانی صنفی^{۱۰} در موقعیت‌های قانون‌مدار هستند. این گفتمان‌ها هدفمند هستند و فرایند اجرایی آنها بر شکل‌گیری ساختار گفتمان تأثیر می‌گذارد (کلتارد و جانسون، ۲۰۰۷: ۷-۸). کلتارد و جانسون (۲۰۰۷) با رصد و بررسی تعداد کثیری رخداد بازجویی دریافتند که جلسات بازجویی پلیس نوعی گفتمان صنفی-قضایی است که از حیث اهداف قانونی بازجویان، از یک روال اجرایی مشخص تبعیت می‌کند. هدف اصلی پلیس در جلسات پرسش و پاسخ، گرفتن اقرار مکتوب از متهمان

7. Coulthard

8. Johnson

9. critical discourse analysis

10. institutional discourse

1. sociolinguistics

2. forensic linguistics

3. Gibbons

4. forensic sociolinguistics

5. Eades

6. Sociolinguistics and the Legal Process

۲) در گفتمان بین پلیس (بازجویان) و متهمان (مظنونین) در بافت قضایی، ساخت صوری زبان چگونه به خدمت نقش‌های اجتماعی و ارتباطی زبان درمی‌آید و بازجویان چگونه از نقش‌های اجتماعی و ویژگی‌های زبان برای رسیدن به اهداف صنف خود بهره می‌برند؟

پیشینه مطالعات و مبانی نظری پژوهش

کلتارد و جانسون (۲۰۰۷) می‌گویند که در چند دهه اخیر در کشورهای غربی بررسی زبان گفتاری، شنیداری، نوشتاری و نشانه‌ای در اختلافات قضایی که در دادگاه‌ها مطرح شده، توسط کارشناسان و متخصصانی تحت عنوان «زبان‌شناسان حقوقی»^۱ انجام گرفته است. این کارشناسان که همگام با کارشناسان رسمی دادگستری و قوه قضائیه وظایفی دارند، از نظریه‌های علمی در حوزه‌های حقوق و زبان‌شناسی و از آزمایشگاه‌های آواشناسی، برای عملیاتی از قبیل شناسایی ویژگی‌های آوایی و تشخیص صدا، بررسی گویش و هویت فردی و اجتماعی متهمان، تحلیل متون و اسناد حقوقی و قضایی، استفاده می‌کنند (کلتارد و جانسون، ۲۰۰۷: ۵).

اولسن (۲۰۰۳) نیز در ارتباط با مشارکت زبان‌شناسان در حل پرونده‌های قضایی، معتقد است زبان‌شناسان به این امر واقفند که ضروری است آنان و حقوق دانان برای فهم بهتر نظرات و دیدگاه‌های یکدیگر تلاش کنند. با همکاری این دو گروه، بسیاری از پرونده‌های قضایی سریع‌تر به نتیجه می‌رسند.

در دو دهه اخیر در ایران نیز زبان‌شناسان به حوزه زبان‌شناسی حقوقی علاقه و توجه نشان داده‌اند و مقالات علمی- پژوهشی بسیار و چند کتاب ارزشمند در این حوزه به چاپ رسیده است.

از آنجا که قوانین و همچنین شرایط و مسئولیت‌های افراد در موقعیت‌های حقوقی و قضایی، ریشه در عوامل اجتماعی دارند، ضروری به نظر می‌رسد که در پژوهش‌های علمی در حوزه زبان‌شناسی حقوقی، از نظریه‌ها و رویکردهای علوم اجتماعی نیز استفاده شود. اخیراً جان گیبونز (۲۰۱۷) تأکید کرده که لازم است تحقیقات علمی پیرامون موضوع «بررسی زبان در موقعیت‌های قضایی» با در نظر گرفتن تأثیر عوامل اجتماعی بر زبان و بافت موقعیتی انجام پذیرد. در این رابطه پیشنهاد شده است که تحلیل‌گران نقش ارتباطی زبان را پایه تحقیقات علمی خود قرار دهند و از نظریه‌ها و

است و این هدف نوعی قصد و نیت حرفه‌ای محسوب می‌گردد که در گفتمان صنفی پلیس نهفته است. کلتارد و جانسون به منظور تحلیل این نوع گفتمان، جلسات بازجویی پلیس را براساس عملکرد اجرایی بازجویان به سه مرحله تفکیک کرده‌اند: ۱) مرحله آغاز: تفهیم اتهام؛ ۲) مرحله دوم: گردآوری و بررسی اطلاعات؛ و ۳) مرحله خاتمه: نگارش گزارش بازجویی. سپس ویژگی‌های هر مرحله را با نگاهی زبان‌شناختی شناسایی و بررسی کرده‌اند (کلتارد و جانسون، ۲۰۰۷: ۴۷). نتایج پژوهش‌های کلتارد و جانسون (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که نحوه کاربرد زبان براساس قصد و نیت بازجویان از مرحله‌ای به مرحله دیگر تغییر می‌کند. پلیس به‌عنوان قدرت کنترل‌کننده روال برگزاری جلسات بازجویی، در هر مرحله موضوع کلام خود را براساس هدف صنفی تنظیم می‌کند و به‌طور حرفه‌ای نقش زبان را تغییر می‌دهد. به این ترتیب، از عملکرد رفتاری-زبانی بازجویان می‌توان دریافت که فرایند اجرایی رخدادهای بازجویی بر نحوه شکل‌گیری ساختار و محتوای گفتمان‌های هدفمند پلیسی تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، گفتمان پلیس- متهم قابل تقطیع به مراحل اجرایی و سطوح محتوایی مشخص است و به منظور تحلیل و آسیب‌شناسی این نوع گفتمان باید شاخص‌های گفتمانی و ویژگی‌های زبانی را در هر مرحله از بازجویی شناسایی و بررسی کرد (کلتارد و جانسون، ۲۰۰۷: ۴۷-۴۸).

هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت و بررسی ساختار و محتوای گفتمان پلیس- متهم در بافت قضایی کشور ایران است. از این‌رو، با الهام از الگوی پیشنهادی کلتارد و جانسون (۲۰۰۷)، پانزده رخدادهای بازجویی فارسی‌زبانان از منظر زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی مورد بررسی قرار گرفته و گزارش مراحل و شیوه تحلیل گفتمان در این رخدادهای ارائه می‌شود. ضمناً در حین تحلیل داده‌ها، چارچوبی توصیفی برای شناخت جامعی از اهداف گفتمانی جلسات پرسش و پاسخ بین بازجویان و متهمان فارسی‌زبان تدوین می‌گردد. این الگوی پژوهشی را می‌توان برای آسیب‌شناسی و تحلیل گفتمان‌های قاضی- متهم، دادستان- متهم، و دیگر گفتمان‌های مشابه در بافت قضایی تعمیم داد. در بخش‌های پیش‌رو، طی بررسی روند هدفمند بازجویی، و شناخت و شناسایی ساختار و ویژگی‌های گفتمان‌های قضایی به سؤالات ذیل پاسخ داده می‌شود.

۱) گفتمان قضایی فارسی‌زبانان از حیث فرایند اجرایی و اهداف مشارکت‌کنندگان در گفتمان چه ساختاری دارند؟

جدول ۱. نقش‌های اجتماعی زبان از منظر هلیدی

نقش‌های اجتماعی زبان	کاربرد هر نقش
ابزاری (instrumental)	بیان نیاز و بهره‌مندی از خدمات
نظارتی (regulatory)	اعمال قدرت
تعاملی (interactional)	برقراری تعامل
شخصی (personal)	بیان عواطف و عقاید
اکتشافی (heuristic)	کسب اطلاعات و معلومات
تخیلی (imaginative)	خلق رویا
اطلاع‌رسانی (informative)	رساندن پیام

در نقش ابزاری زبان، تمرکز بر ارضای نیاز گوینده در بهره‌مندی از خدمات است. در نقش نظارتی، هدف کنترل رفتار مخاطب است. نقش تعاملی برای تأمین و ایجاد روابط دوستانه به کار می‌رود. نقش شخصی این امکان را به کاربر زبان می‌دهد تا احساسات و عقاید خود را بیان کند. نقش اکتشافی فرد را قادر می‌سازد تا اطلاعات مورد نیاز خود را به دست آورد. به کمک نقش تخیلی زبان، قصه‌پردازی‌ها و صحنه‌سازی‌های تخیلی شکل می‌گیرد. از نقش اطلاع‌رسانی برای بیان و اعلان واقعیات و اطلاعات استفاده می‌شود.

هلیدی تلاش کرده است تا حد امکان کارکردهای اجتماعی زبان را در این تقسیم‌بندی بگنجانند. ذکر این نکته ضروری است که کاربران زبان براساس اهداف ارتباطی خود، نقش‌ها را برمی‌گزینند. فرد از بیان یک گفته واحد، ممکن است قصد ارائه نقش‌های متفاوت از زبان را داشته باشد و هر جمله به طور همزمان یک یا بیش از یک نقش را متجلی کند.

هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) در ارتباط با نقش‌های زبان، مفهوم «انتخاب» را مطرح می‌کنند. زبان شبکه‌ای نظام‌یافته از انتخاب‌های به هم وابسته است و هر عنصر با توجه به نقش آن در کل نظام، از نظر معنایی و نقشی تعبیر می‌شود. کاربر زبان از توانایی «انتخاب‌های زبانی» برخوردار است: انتخاب‌های معنایی که قصد ارائه آنها را دارد و انتخاب‌های دستوری که از طریق آنها، معانی را در قالب زبان بیان می‌کند. در انتخاب معنا، فرد به عوامل غیرزبانی، که مهم‌ترین آنها بافت است، توجه می‌کند. در حقیقت تنوع ناشی از کاربرد زبان در بافت‌های متفاوت، به تغییرات معنایی می‌انجامد. هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) از سه نوع بافت سخن می‌گویند: «بافت فرافرهنگی» مانند ایدئولوژی، «بافت فرهنگی» مانند موقعیتی که زبان شعر و موسیقی در آن تولید یا استفاده می‌شود، و «بافت موقعیتی» مانند جلسات بازجویی که گفتگوی پلیس و متهم در مکان و زمانی خاص رخ

رویکردهای سه حوزه زبان‌شناسی، حقوق و جامعه‌شناسی برای تجزیه و تحلیل گفتمان در موقعیت‌های حقوقی و قضایی استفاده کنند.

از آنجا که در حوزه زبان‌شناسی، رویکرد نقش‌گرایی^۱ مبنایی جامعه‌شناختی دارد، لذا تحلیل‌گران از این رویکرد در پژوهش‌های خود در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی بهره می‌برند.

در پژوهش حاضر، به منظور شناخت گفتمان قضایی، از «زبان‌شناسی نقش‌گرا»^۲ به علت تأکید بر نقش‌های اجتماعی زبان، به عنوان مبنای نظری پژوهش و از «الگوی کلتارد و جانسون» به علت فراهم نمودن چارچوبی توصیفی-تحلیلی برای شناخت ساختار گفتمان در موقعیت‌های اجتماعی-قضایی، به عنوان روش تحقیق کیفی استفاده شده است.

معروف‌ترین نظریه پرداز نقش‌گرا، هلیدی^۳ زبان‌شناس بریتانیایی است که با الهام از مفهوم «بافت موقعیتی»^۴ و نظریه «نظام ساخت زبان» متعلق به جان روبرت فرث^۵، «رویکرد سازگانی یا نظام‌مند نقشی»^۶ را به مثابه رویکردی کارآمد در عرصه تحلیل متن معرفی کرد. دو مفهوم بنیادین در رویکرد نقش‌گرایی هلیدی مستتر است که نام خود را از آنها گرفته است: «نظام»^۷ و «نقش»^۸. از یک سو، هر زبان نظامی از معانی است که با صورت دستوری همراه می‌شوند. ارتباط بین انواع ساخت‌های صوری زبان و معانی، تابع نظامی است که معانی را به مخاطب منتقل می‌کند. از سوی دیگر، زبان نقش‌هایی ایفا می‌کند. هلیدی دو مفهوم از نقش‌های زبان در نظر دارد: یکی «نقش‌های دستوری» و دیگری «نقش‌های اجتماعی».

هلیدی (۱۹۷۳) با مطالعه و تحلیل دقیق رشد زبانی در انسان به این نتیجه رسید که ساختار زبانی افراد بازتاب مستقیم شکل‌های کاربردی زبان است و انسان به مرور قادر می‌گردد که به نقش‌های گوناگون زبان نظم و ترتیب بدهد.

هلیدی (۱۹۷۳) هفت نقش اجتماعی برای زبان برشمرده است. این نقش‌ها و کاربرد آنها در جدول شماره ۱ ذکر می‌گردد.

1. functional approach
2. functional linguistics
3. Halliday
4. situational context
5. John R. Firth
6. functional systematic approach
7. system
8. function

می‌دهد. این که هر معنای زبانی چگونه به‌کار رود، به انتخاب‌هایی بستگی دارد که با توجه به بافت انجام می‌گیرد. به‌طور کلی، از نظریه هیلیدی در حوزه زبان‌شناسی نقشگرا چنین برداشت می‌شود که وی زبان را پدیده‌ای اجتماعی و بخشی ناگسسته از جامعه می‌داند و بررسی نقش‌های اجتماعی زبان و ساختار بافت را در پژوهش‌های زبان‌شناختی مهم می‌شمارد. به دلیل توجه به ارتباط بین زبان و جامعه، زبان‌شناسی نقشگرا قرابت بسیاری با «تحلیل گفتمان انتقادی» دارد.

بلور^۱ و بلور^۲ (۲۰۰۷: ۲) از زبان‌شناسی نقشگرا، به خصوص از نظریه هیلیدی به‌عنوان رویکردی زیربنایی و نزدیک به اهداف حوزه مطالعاتی تحلیل گفتمان انتقادی یاد کرده‌اند. البته آنان معتقدند که اهداف تحلیل گفتمان، به‌طور توجیهی/انتقادی، قدری فراتر از اهداف و مقاصد زبان‌شناسی نقشگرا است. مهم‌ترین هدف تحلیل گفتمان این است که رخدادهای موجود را رصد کنند، از طریق تحلیل گفتمان‌های مربوط به آن رخدادهای، به آسیب‌شناسی وضعیت موجود بپردازند و به منظور اصلاح یا تغییر وقایع و رخدادهای، راه حل ارائه دهند.

روش تحقیق

بلور و بلور (۲۰۰۷: ۲-۱) گفتمان را ارتباط نمادین انسانی در بسیاری از اشکال، خواه مستقیماً از طریق زبان گفتاری یا نوشتاری یا از طریق اشارات، تصاویر، نمودارها، فیلم‌ها، یا موسیقی تعریف کرده‌اند. «متن» نیز محصول گفتمان است و به‌صورت گفتاری یا نوشتاری تولید می‌شود. تحلیل گفتمان به‌طور توجیهی/انتقادی در سه سطح انجام می‌شود: توصیف، تفسیر و تبیین. در مرحله توصیف به رصد وضعیت موجود و شناسایی و توصیف ویژگی‌های گفتمان، با توجه به شرایط شکل‌گیری آن، پرداخته می‌شود. تفسیر مرحله‌ای است که در آن براساس توصیف گفتمان که در سطح اول انجام شده، ساختار و شاخصه‌های گفتمان و روابط بین مؤلفه‌ها تحلیل می‌شود. در این مرحله ارتباط گفتمان با گفتمان‌های جاری در تعاملات اجتماعی نیز بررسی می‌گردد. در مرحله تبیین، رابطه گفتمان و ساختارهای اجتماعی، که رابطه‌ای دو سویه است، و تأثیر خلاقانه گفتمان بر جامعه بشری در سطح کلان مطرح می‌شود. تحلیل گفتمان با دیدی انتقادی بر موضوعاتی متمرکز می‌شوند که در آنها زبان برای رسیدن به اهداف اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته و تا اندازه‌ای این استفاده در تغییر و بقای اجتماعی ایفای نقش

بلور و بلور (۲۰۰۷: ۲-۱) گفتمان را ارتباط نمادین انسانی در بسیاری از اشکال، خواه مستقیماً از طریق زبان گفتاری یا نوشتاری یا از طریق اشارات، تصاویر، نمودارها، فیلم‌ها، یا موسیقی تعریف کرده‌اند. «متن» نیز محصول گفتمان است و به‌صورت گفتاری یا نوشتاری تولید می‌شود. تحلیل گفتمان به‌طور توجیهی/انتقادی در سه سطح انجام می‌شود: توصیف، تفسیر و تبیین. در مرحله توصیف به رصد وضعیت موجود و شناسایی و توصیف ویژگی‌های گفتمان، با توجه به شرایط شکل‌گیری آن، پرداخته می‌شود. تفسیر مرحله‌ای است که در آن براساس توصیف گفتمان که در سطح اول انجام شده، ساختار و شاخصه‌های گفتمان و روابط بین مؤلفه‌ها تحلیل می‌شود. در این مرحله ارتباط گفتمان با گفتمان‌های جاری در تعاملات اجتماعی نیز بررسی می‌گردد. در مرحله تبیین، رابطه گفتمان و ساختارهای اجتماعی، که رابطه‌ای دو سویه است، و تأثیر خلاقانه گفتمان بر جامعه بشری در سطح کلان مطرح می‌شود. تحلیل گفتمان با دیدی انتقادی بر موضوعاتی متمرکز می‌شوند که در آنها زبان برای رسیدن به اهداف اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته و تا اندازه‌ای این استفاده در تغییر و بقای اجتماعی ایفای نقش

بلور و بلور (۲۰۰۷: ۲-۱) گفتمان را ارتباط نمادین انسانی در بسیاری از اشکال، خواه مستقیماً از طریق زبان گفتاری یا نوشتاری یا از طریق اشارات، تصاویر، نمودارها، فیلم‌ها، یا موسیقی تعریف کرده‌اند. «متن» نیز محصول گفتمان است و به‌صورت گفتاری یا نوشتاری تولید می‌شود. تحلیل گفتمان به‌طور توجیهی/انتقادی در سه سطح انجام می‌شود: توصیف، تفسیر و تبیین. در مرحله توصیف به رصد وضعیت موجود و شناسایی و توصیف ویژگی‌های گفتمان، با توجه به شرایط شکل‌گیری آن، پرداخته می‌شود. تفسیر مرحله‌ای است که در آن براساس توصیف گفتمان که در سطح اول انجام شده، ساختار و شاخصه‌های گفتمان و روابط بین مؤلفه‌ها تحلیل می‌شود. در این مرحله ارتباط گفتمان با گفتمان‌های جاری در تعاملات اجتماعی نیز بررسی می‌گردد. در مرحله تبیین، رابطه گفتمان و ساختارهای اجتماعی، که رابطه‌ای دو سویه است، و تأثیر خلاقانه گفتمان بر جامعه بشری در سطح کلان مطرح می‌شود. تحلیل گفتمان با دیدی انتقادی بر موضوعاتی متمرکز می‌شوند که در آنها زبان برای رسیدن به اهداف اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته و تا اندازه‌ای این استفاده در تغییر و بقای اجتماعی ایفای نقش

1. Bloor
2. Bloor

بررسی شده در یک مقاله میسر نیست، لذا به‌منظور نشان‌دادن شیوه کار، در این بخش یک نکته زبان‌شناختی در هر مرحله بررسی می‌گردد.^۱ در مرحله اول بازجویی، برگه اظهارات متهم به رؤیت متهم می‌رسد یا برای وی خوانده می‌شود. در ابتدای این برگه، یک متن مربوط به ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷، و پس از آن، یک متن شامل مشخصات و تعهدنامه متهم تعبیه شده که می‌بایست توسط وی تکمیل شود. بخش بعدی برگه اظهارات متهم به فضایی اختصاص دارد که سوالات توسط بازجو، حداکثر در ده جمله براساس نوع و ماهیت جرم و سابقه کیفری متهم، روی برگه نوشته می‌شود. سپس برگه به متهم داده می‌شود تا به سوالات پاسخ دهد و بخش مشخصات را تکمیل کند. به‌منظور روشن شدن نحوه تحلیل این بخش از داده‌ها، برای نمونه جملات مربوط به جرایم مواد مخدر که از پیش طراحی و در برگه یادشده تایپ شده است، از لحاظ زبان‌شناختی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نتیجه بررسی ساخت صوری جملات بازجویان در پانزده برگه اظهارات متهمان مربوط به جرایم مواد مخدر، سرقت و زورگیری حاکی از این است که جملات پرسشی و امری با نقش‌های اجتماعی اکتشافی و نظارتی زبان در مرحله اول بازجویی توسط بازجویان مورد استفاده قرار می‌گیرند. جملات متهمان نیز در پاسخ به سوالات بازجویان در این مرحله، در قالب جملات خبری و با نقش اطلاع‌رسانی ارائه می‌شوند. تحلیل محتوای معنایی جملات نشان می‌دهد که ویژگی‌های زبان این امکان را برای بازجویان فراهم می‌کند که بتوانند از فرایند «پیش‌انگاشت»^۲ در زبان برای ترغیب متهمان به اعتراف استفاده کنند. «پیش‌انگاشت» یکی از انواع روابط معنایی محسوب می‌شود که افراد در گفتمان‌های روزمره، در سطح ساخت جملات زبان از آن سود می‌برند. جملات از پیش طراحی‌شده (۴)، (۵) و (۶) در برگه اظهارات متهم مربوط به جرایم مواد مخدر (جدول ۳)، حاوی محتوای پیش‌انگاشت پیرامون ارتباط متهم با واقعه جرم است. لازم به ذکر است که این پرسش‌نامه قبل از اعتراف متهم یا اثبات جرم طراحی شده است.

۱. برای آگاهی از تمام مراحل پژوهش و یافته‌ها، به رساله دکتری «زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی: بررسی زبان بازجو و مظنون در نظام قانونی کشور جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۷)، گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد مراجعه شود.

تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار گرفتند. نظر به اینکه ضبط صدا در جلسات بازجویی ممنوع است، نگارنده با هماهنگی حفاظت اطلاعات ناجا در تعدادی رخدادهای بازجویی شرکت کرد، تعدادی اسناد کاغذی غیرمحرمانه را بررسی نمود و با همکاری بازجویان ناجا، مددکاران و مددجویان ندامتگاه اوین، و افسران و مددکاران دانشجو در دانشگاه سازمان زندان‌ها، اطلاعات تکمیلی را گردآوری و سپس با استفاده از یادداشت‌ها، ۱۵ رخدادهای بازجویی را بازنویسی کرد.

از آنجا که داده‌ها در این پژوهش از ارزش کیفی برخوردارند و آمار کمی مدنظر نیست، لذا در بازنویسی تعاملات گفتاری، جملات اضافی و تکراری حذف شد. تحلیل داده‌ها با هدف شناخت گفتمان در بافت قضایی، در دو سطح توصیف و تفسیر گفتمان انجام گرفت و به تبیین داده‌ها، یعنی تأکید بر نقش کنترل‌کننده گفتمان در جامعه، نیز اشاره مختصری صورت گرفت.

ابتدا از بین جلسات متعدد، پانزده جلسه بازجویی که متهمان به زبان فارسی و مهارت نوشتاری مسلط بودند، انتخاب شدند. سپس هر جلسه به‌عنوان یک «رخداد بازجویی در موقعیت قضایی» و از بدو ورود بازجو و متهم به اتاق بازجویی تا پایان مرحله نوشتن گزارش توسط بازجو به‌عنوان یک «رویداد گفتمانی» در نظر گرفته شد. هر رویداد به سه مرحله اصلی تقطیع و نکات و موضوعات قابل تعمق در هر مرحله شناسایی و در دو گونه نوشتاری و گفتاری به‌طور مجزا بررسی شدند. همچنین، اطلاعات تکمیلی از طریق گفتگو و مصاحبه با بازجویان، مطلعین و متخصصین، از جمله مددکاران و مددجویان ندامتگاه اوین، گردآوری شد. ضمناً، نتایج به‌دست‌آمده در هر مرحله با نظریه‌ای مرتبط با موضوع پژوهش در حوزه زبان‌شناسی مقایسه گردید.

تفکیک مراحل در هر یک از رویدادهای گفتمانی به شرح جدول شماره ۲ است.

جدول ۲. مراحل اجرایی جلسات بازجویی در ایران

مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم
تفہیم اتهام براساس سه متن مندرج در برگه اظهارات متهم	گفتگوی دوطرفه بین بازجو و متهم پیرامون موضوع جرم (تعاملات گفتاری)	نوشتن گزارش توسط بازجو و ثبت اظهارات متهم

تحلیل داده‌ها

نظر به اینکه انعکاس تمام مراحل پژوهش و موضوعات

جدول ۳. جملات از پیش طراحی‌شده بازجویان مربوط به جرایم مواد مخدر

ردیف	جملات	ساخت دستوری	نقش اجتماعی زبان
۱	آیا دارای سابقه محکومیت کیفری هستید؟	پرسشی	اکتشافی
۲	نوع اتهام، محل دستگیری و مدت و محل تحمیل کیفر قید شود.	امری	اکتشافی- نظارتی
۳	آیا میزان مواد مکشوفه مطابق با صورتجلسه تنظیمی به مقدار ... گرم از نوع ... متعلق به شماست؟	پرسشی	اکتشافی
۴	مواد مکشوفه را از کجا و به چه نحوی تهیه کرده‌اید؟	پرسشی	اکتشافی
۵	مواد مکشوفه را چه زمانی و به چه مبلغی خریداری کرده‌اید؟ برحسب گرم.	پرسشی	اکتشافی
۶	آدرس و مشخصات دقیق فردی و مکانی فروشنده مواد را بیان کنید.	امری	اکتشافی- نظارتی
۷	آیا خودتان نیز به مواد مخدر اعتیاد دارید؟	پرسشی	اکتشافی
۸	به چه موادی اعتیاد دارید؟	پرسشی	اکتشافی
۹	چنانچه اظهارات دیگری دارید بیان نموده در غیراینصورت مطالب فوق را گواهی نمائید.	شرطی- امری	اکتشافی- نظارتی

مشارکت‌کنندگان در گفتگو از نقش‌های اجتماعی زبان و فرایند پیش‌انگاشت، جملات اولیه از گفتگوی بین بازجو و متهم در یک جلسه بازجویی مربوط به جرم سرقت در سطور زیر بررسی می‌شود. در این گفتگو بازجو با حرف (ب) و متهم با حرف (م) مشخص شده است.

در مرحله دوم روند بازجویی، گفتگوی رودررو میان بازجویان و متهمان رخ می‌دهد. در این مقاله، به این بخش از داده‌ها «تعامل گفتاری» گفته می‌شود. روال کار در جلسات بازجویی بدین منوال است که مظنونین به‌طور انفرادی در اتاق بازجویی مستقر و بسته به نوع جرم توسط یک یا دو افسر تجسس مورد بازجویی قرار می‌گیرند. به‌منظور تحلیل پانزده مورد تعامل گفتاری بین بازجویان و متهمان در مرحله دوم بازجویی، جملات بازجویان و متهمان در نسخه‌های بازنویسی‌شده از هم تفکیک و نقش‌های اجتماعی زبان در جملات شمارش شدند. در تحلیل ۳۶۸ جمله بازجویان، ۵۷۰ مورد نقش اجتماعی زبان تشخیص داده شد. شایان ذکر است که برخی از جملات در خدمت بیش از یک نقش اجتماعی زبان هستند. مقایسه جملات نوشتاری بازجویان در برگه‌های اظهارات متهم و جملات شفاهی آنان در تعاملات گفتاری حاکی از آن است که نقش‌های نظارتی و اکتشافی برای اثبات قدرت و کسب اطلاعات در دو گونه نوشتاری و گفتاری به‌طور مشابه به کار رفته است، اما در تعاملات گفتاری، بازجویان علاوه بر بهره‌برداری از این دو نقش اجتماعی زبان، از نقش‌های تعاملی، اطلاع‌رسانی و شخصی نیز برای برقراری تعامل با متهمان، بیان اطلاعات، ابراز احساسات و نصیحت، برای پیشبرد اهداف قضایی/صنفی خود استفاده کرده‌اند. به‌منظور درک دقیق‌تر موضوع و ارائه نمونه‌هایی از بهره‌مندی

ب: چند سال داری؟ (اکتشافی-تعاملی)
 م: ۲۸ سال. (اطلاع‌رسانی)
 ب: اهل کجایی؟ (اکتشافی-تعاملی)
 م: اهل افغانستانم. (اطلاع‌رسانی)
 ب: از کجاها سرقت کردی؟ (اکتشافی- پیش‌انگاشت: سارق بیش از یک سرقت انجام داده است)
 م: از ساختمان‌های نیمه‌کاره تجهیزات و وسایل ساختمانی می‌زدیدم. (اطلاع‌رسانی)
 ب: چند تا همدست داشتی؟ (اکتشافی- پیش‌انگاشت: در سرقت همدست داشته است)
 م: با دو تا دوستانم سرقت می‌کردیم. اونا به من پیشنهاد این دزدیا رو دادند. وگرنه من تازه وارد ایران شده بودم. اهل هیچ کار خلافی هم نبودم. (اطلاع‌رسانی- تعاملی)
 ب: نقشه سرقت‌ها رو چطور اجرا می‌کردید؟ (اکتشافی- پیش‌انگاشت: برای سرقت‌ها نقشه‌های از قبل طراحی شده داشته‌اند)

م: گرد سفید می کشم. (اطلاع‌رسانی)
ب: هروئین؟ (اکتشافی)
م: بله. (اطلاع‌رسانی)
ب: دیگه چی مصرف می کنی؟ (اکتشافی)
م: فقط همین دوامه. (اطلاع‌رسانی)

در این تعامل گفتاری، از لحاظ بررسی شاخص‌های گفتارمانی با توجه به سه مؤلفه اجتماعی که در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی توسط وارداف (۱۹۹۰: ۲۵۱-۲۷۳) و در حوزه مطالعاتی تحلیل گفتمان انتقادی توسط بلور و بلور (۲۰۰۷: ۱۰۱-۱۱۹) تحت عنوان «روابط ادب، قدرت و همبستگی»^۱ مطرح شده‌اند، زبان گفتاری بازجو مبین جایگاه اجتماعی برتر وی نسبت به متهم و قدرت کنترل‌کننده بازجو در جریان گفتگو است. انتخاب صورت‌های خطاب، صدق جملات، بسامد جملات پرسشی و امری، بسامد استفاده از نقش اکتشافی زبان، و همچنین نقش بازجو به‌عنوان آغازگر گفتگو، کنترل‌کننده و تعیین‌کننده موضوع مکالمه، از جمله نشان‌گرهای «قدرت» در این تعامل گفتاری هستند. از سوی دیگر، به دلیل ظهور نقش‌های تعاملی و شخصی زبان در جملات بازجو، می‌توان به این نکته اشاره کرد که در این رویداد «رابطه همبستگی» میان بازجو و متهم نیز مشاهده می‌شود.

در مجموع، تحلیل داده‌های مرحله دوم جلسات بازجویی نشان می‌دهد که در تعاملات گفتاری، بازجویان از آزادی عمل بیشتری در بهره‌مندی از ویژگی‌ها و نقش‌های اجتماعی زبان برخوردارند، درحالی‌که در متن‌های نوشتاری به‌طور محدودتری از نقش‌های زبان استفاده می‌کنند. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که (۱) در تعاملات گفتاری، بازجویان با ساختن جملات هدفمند، از حیث استفاده از نقش‌های اجتماعی زبان و برقراری رابطه همبستگی، نسبت به ترغیب متهمان به پرگویی اقدام می‌کنند، کلیدواژه‌هایی از جملات آنان را به خاطر می‌سپارند و، در تفسیر آنی گفتار مظنونین، به تناقضات کلامی، دروغ، و نقش احتمالی آنان در واقعه جرم پی می‌برند؛ و (۲) بازجویان برای تطبیق دادن اظهارات متهمان با مستندات پرونده و ترغیب آنان به اعتراف داوطلبانه، با

م: گاهی اوقات نیمه شب که مطمئن می‌شدیم کسی نیست، کسی به غیر از نگهبان نیست، می‌رفتیم دزدی. دریل و سنگ فرز و دستگاه جوش و اینا. به نگهبان چایی می‌دادم - توش پودر خواب می‌ریختم. هم‌دستام بعد می‌ومدن. (اطلاع‌رسانی)
ب: نمی‌ترسیدی نگهبان مسموم بشه، به کما بره و بمیره؟ (اکتشافی - تعاملی)
م: نه دارو خواب‌آور بود. اگه ذره‌ای تردید داشتیم این کارو نمی‌کردم. (اطلاع‌رسانی - تعاملی)
ب: چطور با نگهبان طرح دوستی می‌ریختی؟ (اکتشافی)
م: معمولاً بیشتر اونا هم‌ولایتی بودن. می‌گفتم تازه از افغانستان به ایران اومدم. به من اعتماد می‌کرد. بعد پودر رو می‌ریختم تو چائیش. (اطلاع‌رسانی)
ب: چند وقت بود که این کار رو انجام می‌دادید؟ (اکتشافی - پیش‌انگاشت: سابقه این نوع سرقت را دارد)
م: تقریباً یک ماهی می‌شد. (اطلاع‌رسانی)
ب: درآمدتون چقدر بود؟ (اکتشافی)
م: تقریباً شیبی ۵۰۰ هزار تومن. (اطلاع‌رسانی)
ب: چطور وارد این باند شدی؟ (اکتشافی - پیش‌انگاشت: همکاری سارقان به تشکیل باند منجر شده است)
م: تازه دو سالی می‌شد که وارد ایران شده بودم. می‌خواستیم کار کنیم و برا زن و بچه‌ام بفرستیم. اول توی یه ساختمون نیمه‌کاره مشغول کار شدم و می‌خواستیم از راه حلال پول در بیارم. گل آقا هم مثل من اونجا کارگری می‌کرد. بعد از مدتی به من پیشنهاد کرد ولی من قبول نکردم. از خونمون گفتن که دخترم مریضه. تلفن که کردم گفتن که بچه مریضه. درمان نیاز داره. منم اعصابم به هم ریخت. (اطلاع‌رسانی - تعاملی - ایجاد حس ترحم)
ب: گل آقا سرده‌سته باند بود؟ (اکتشافی - پیش‌انگاشت: باند دارای ساختار مدیریتی بوده است)
م: بله رئیس او بود. (اطلاع‌رسانی)
ب: بیماری بچه‌ات چیه؟ (اکتشافی - تعاملی)
م: دختر سه ساله بدنش عفونت کرده. باید زود درمان بشه. (اطلاع‌رسانی - تعاملی - ایجاد حس ترحم)
ب: فقط همین یک فرزند رو داری؟ (اکتشافی - تعاملی)
م: بله تنها یه دختر دارم. (اطلاع‌رسانی - ایجاد حس ترحم)
ب: اعتماد هم داری؟ (اکتشافی)

بازجویان مبین این موضوع است که گونه کاربردی (سیاق)^۱ و همچنین واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی (زبان حرفه‌ای)^۲ به کاررفته در گزارشات، دال بر گفتمان صنفی^۳ آنان و از نوع گفتمان حقوقی است. بازجویان با استفاده از دانش علمی و تجربه حرفه‌ای خود و با در نظر گرفتن موازین قانونی و عدم اتکا به ذهن‌گرایی شخصی و برپایه هر دانستنی قابل اثباتی به نوشتن گزارش اقدام می‌کنند.

موضوعی که در تحلیل متن گزارشات بازجویان از حیث نکات زبان‌شناختی سؤال‌برانگیز است عملکرد عناصر زبانی در چارچوب متن می‌باشد، یعنی این که ساختمان و آرایش متنی چه تأثیری بر نقش عناصر زبانی در تعامل زبانی بین افراد دارد. به اعتقاد تامپسون (۱۹۹۶)، زبان یک نظام واژگانی-دستوری است که در آن امکان انتخاب وجود دارد. انتخاب واژگان و ساخت دستوری در بافت‌های گوناگون اجتماعی توسط کاربران نمایان‌گر ارتباط تنگاتنگ نقش‌های گوناگون زبان و بافت موقعیتی و تأثیر این نقش‌ها در انتقال معنا است (تامسون، ۱۹۹۶: ۸-۹). پیامدهای انتخاب نوع ساخت دستوری جملات و دخالتی که این انتخاب در روند درک و تفسیر ساختار متن ایفا می‌کند، و اینکه این نوع ساخت چگونه یک چارچوب فکری خاص را تقویت یا تولید کرده است، موضوعاتی هستند که در تحلیل گزارش بازجویان از اهمیت به‌سزایی برخوردارند. به‌منظور تحلیل گزارش‌های تشکیل‌دهنده پیکره پژوهش، مشخصه زبان‌شناختی «انتخاب ساخت نحوی» بررسی شده است. از مهمترین ساختارهای نحوی مؤثر بر شیوه انتقال معنا در متن، می‌توان از «نام‌دهی»، «فرایند اسم‌سازی»، «انتخاب فعل‌های لازم/ناگذر و متعدی/گذرا» و «فرایند معلوم در برابر مجهول» نام برد. در مقاله حاضر ساخت نحوی معلوم و مجهول در گزارشات بازجویان و تأثیر آن بر محتوای معنایی و قوت بخشیدن به اندیشه‌ای خاص مطرح می‌شود. به‌منظور نشان دادن شیوه کار پژوهشگر در تحلیل گزارش‌ها، سه جمله ذیل که توسط سه بازجو در ارتباط با جرایم مواد مخدر نوشته شده‌اند، از یک منظر زبان‌شناختی تحلیل می‌شوند. شایان ذکر است که واژه‌های غیرضروری در این جملات حذف شده‌اند.

ساختن جملات حاوی پیش‌انگاشت و استفاده هدفمند از نقش‌های اجتماعی زبان، از راهبردهای زبانی برای پیشبرد اهداف قضایی خود بهره می‌برند. شایان ذکر است که بازجویان شرکت‌کننده در این مرحله از بازجویی موفق شدند حقیقت را کشف و از متهمان اعتراف داوطلبانه و مکتوب، که مطابق با مستندات پرونده بود، اخذ کنند. یافته‌های این مرحله از پژوهش نظر کلتارد و جانسون (۲۰۰۷) و انصاری (۱۳۹۱) را تأیید می‌کند. آنان معتقدند اصلی‌ترین هدف بازجویان، گرفتن اعتراف داوطلبانه از متهمان به‌عنوان بهترین دلیل برای اثبات جرم است و ویژگی‌های زبان این امکان را برای بازجویان فراهم می‌کند. علیرغم روش‌های سنتی پلیس که متضمن متوسل شدن به زور برای نایل آمدن به اهداف بازجویی بود، در روش‌های نوین، قدرت و سلطه از طریق راهبردهای گفتمانی که نیاز به اعمال خشونت‌آمیز ندارد، اعمال می‌شود.

نکته دیگری که در این مرحله بازجویی مورد توجه زبان‌شناسان قرار می‌گیرد این است که در موقعیت‌های قضایی نقش افراد در تعاملات زبانی تابع یک رشته قواعد، محدودیت‌ها و الگوهای زبانی خاص است. در گفتمان‌های روزمره، افراد درباره برقراری تعامل و تبادل زبانی و موضوع گفتگو توافق ضمنی دارند و اغلب از زبان برای کسب اطلاعات جدید و بیان وقایع و احساسات استفاده می‌کنند و بر اساس شرایط و صلاح‌دید، هر یک از مشارکت‌کنندگان در گفتگو می‌توانند از ادامه بحث منصرف شوند. اما در جلسات بازجویی، بازجو و متهم به اجبار قضایی وارد تعامل گفتاری می‌شوند و، در اغلب مواقع، بازجویان پاسخ سوالات خود را می‌دانند با این حال اقدام به پرسش‌گری می‌کنند. از این حیث گفتمان بازجو-متهم شباهت زیادی به گفتمان‌های معلم-دانش‌آموز و استاد-دانشجو دارد با این تفاوت که دانش‌آموزان و دانشجویان تحت فشار و الزام قضایی قرار ندارند. دانش‌آموزان و دانشجویان نیز، در مواردی، به‌منظور اعتراض به عملکرد معلم یا استاد، کلاس، مدرسه و دانشگاه خود را ترک می‌کنند و این اختیار را دارند که از ادامه تحصیل انصراف دهند. این امر دلیلی آشکار بر وجود برخی تفاوت‌ها میان بافت قضایی و غیرقضایی است.

سومین و آخرین مرحله بازجویی مربوط به نگارش شرح واقعه جرم و ثبت اظهارات متهمان است. متن گزارشات

1. register
2. jargon
3. institutional discourse

در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی باشد که نیاز است در پژوهشی مجزا به آن پرداخته شود.

نتایج پژوهش و پیشنهادات

در مقاله حاضر، «زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی» به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای و حلقه ارتباطی میان زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق به جامعه دانشگاهیان ایران معرفی شد. همچنین به منظور شناخت گفتمان قضایی و شناسایی عوامل مؤثر بر این گفتمان، پانزده جلسه بازجویی پلیس در تهران با استفاده از الگوی پیشنهادی کلتارد و جانسون (۲۰۰۷) مبنی بر تقطیع ساختار گفتمان بر اساس اهداف صنفی پلیس مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه چارچوبی توصیفی برای شناخت و تحلیل گفتمان‌های قضایی فارسی‌زبانان تدوین شد. طبق این الگو ابتدا هر یک جلسه بازجویی، به عنوان یک رویداد گفتمانی بین بازجو و متهم در نظر گرفته شد. سپس هر گفتمان با در نظر گرفتن اهداف قضایی بازجویان به بخش‌های مجزا تقطیع و موضوعات و نکات زبان‌شناختی قابل تأمل در هر بخش شناسایی و بررسی شدند. در پایان به منظور حصول اطمینان از صحت و پایایی نتایج، یافته‌های پژوهش به دو طریق یعنی «بررسی مقایسه‌ای نظریه‌ها» و «نظرسنجی از متخصصان و مطلعین» ارزیابی شد.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پیکره پژوهش حاکی از آن است که گفتمان پلیس-متهم ساختاری هدف‌محور در بافت قضایی دارد. روند اجرایی بازجویی و اهداف مشارکت‌کنندگان (بازجویان و متهمان) بر شیوه برقراری تعاملات زبانی و نحوه طراحی جملات تأثیرگذار است. در این نوع گفتمان، بازجویان از ساخت صوری زبان در خدمت نقش‌های اجتماعی زبان، برای رسیدن به اهداف قضایی استفاده می‌کنند و ویژگی‌های زبان، پلیس را در رسیدن به مهم‌ترین هدف صنفی آنان، که کشف حقیقت و گرفتن اقرار داوطلبانه و مکتوب از متهمان است، یاری می‌رساند.

شایان ذکر است که تحلیل گفتمان پلیس-متهم محدود به موضوعات طرح‌شده در این مقاله نیست. لذا پیشنهاد می‌گردد دیگر شاخص‌های حقوقی-اجتماعی زبان در این نوع گفتمان و گفتمان‌های مشابه، بر مبنای رویکردهای زبان‌شناسی، معناشناسی و منظورشناسی، بر اساس چارچوب توصیفی-تحلیلی تدوین شده در این مقاله بررسی گردد.

۱. مواد مخدر از نوع ... به وزن ... کیلوگرم در خودرو به شماره ... به مالکیت ... کشف شد.

۲. فرد به نام ... راننده خودرو به شماره ... حامل مواد مخدر ... بوده است.

۳. مواد مخدر از نوع ... در خودرو به شماره ... کشف و ضبط شد.

گرچه هر سه جمله یک پیام مشترک را منعکس می‌کنند ولی جابجایی عبارات و انتخاب نوع ساخت از لحاظ معلوم یا مجهول بودن جمله، در «سبک نگارش» و «منظور گوینده» تغییراتی ایجاد می‌کند. بر اساس نظریه هلیدی و متیسن (۲۰۰۴)، نویسنده با انتخاب نوع ساخت و نحوه چیدمان گروه‌های دستوری در جمله، پیام‌های متفاوتی را حول محور معنای اصلی، به مخاطب منتقل می‌کند. جایگاه مبتدا^۱ در جمله نقطه شروع برای تولید پیام است و بخش خبر^۲ حول محور این جایگاه شکل می‌گیرد. اشغال جایگاه مبتدا توسط مفعول موجب می‌شود که ذهن خواننده متن در پی جستجوی منظور نگارنده برآید. بلور و بلور نیز معتقدند که عوامل مختلف در ساخت صوری زبان، از قبیل طول جملات از لحاظ تعداد واژه‌ها، تعداد پاراگراف‌ها، تعداد افعال مجهول در متن و سطح متن از لحاظ فصیح بودن، بر تفسیر خواننده از متن و درک وی از پیام تأثیرگذار است (بلور و بلور، ۲۰۰۷: ۴۱).

نکته قابل تأمل در این مرحله این است که گزارش مکتوب بازجویان پیرامون شرح واقعه جرم تحت عنوان گزارش بازجویی به انضمام برگه اظهارات متهمان، اسنادی حقوقی هستند که مبنای صدور رأی توسط قضات در نظر گرفته می‌شوند. از منظر زبان‌شناسی توجه به این موضوع ضروری است که تفاوت و تنوع سبک نوشتاری افراد در بافت‌های غیرقضایی امری بدیهی و معمول است، اما در سیستم قضایی، پیامد این تنوع سبک و تأثیر آن بر ذهن مخاطبان تا حدودی سرنوشت‌ساز است. در نظرسنجی از بازجویان مشخص شد آنان هنگام نوشتن گزارش‌ها بیشتر به مستند بودن گزارش، انتقال اطلاعات و نحوه شرح‌دادن واقعه جرم توجه می‌کنند تا به موضوع ساخت نحوی جملات. بررسی گزارش بازجویان از حیث تفاوت در ساخت صوری زبان و تأثیر آن بر تفسیر قضات، در ارتباط با برآورد میزان نقش متهم در ارتکاب جرم، می‌تواند موضوعی بحث‌برانگیز

1. theme

2. rheme

منابع

- انصاری، ولی‌الله (۱۳۹۱). کشف علمی جرایم. تهران: سمت.
صادق منش، جعفر (۱۳۹۲). ضابطان قضایی، وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها. تهران: مرکز آموزش قوه قضائیه.
- Bloor, M. & T. Bloor (2007). *The Practice of Critical Discourse Analysis, An Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Coulthard, M. & A. Johnson (2007). *An Introduction to Forensics: Language in Evidence*. New York: Routledge Co.
- Eades, D. (2010). *Sociolinguistics and the Legal Process*. U.K.: Multilingual Matters.
- Gibbons, J. (2017). Forensic Sociolinguistics/ Forensische Soziolinguistik. In: U. Ammon, N. Dittmar, K. J. Mattheier and P. Trudgill (Eds.), *Sociolinguistics/ Soziolinguistik An International Handbook of the Science of Language and Society/ Ein Internationales Handbuch zur Wissenschaft von Sprache und Gesellschaft* (pp. 233-249). Berlin/ New York: Walter de Gruyter.
- Halliday, M. A. K. (1973). *Explorations in the Functions of Language*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. (1976). *System & Function in Language*. Oxford: Oxford University Press.
- Halliday, M. A. K. and R. Hassan (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Halliday, M. A. K. and C. Matthiessen (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Arnold.
- Olsson, J. (2003). *What Is Forensic Linguistics?* England: Nebraska Wesleyan University.
- Thompson, G. (1996). *Introducing Functional Grammar*. USA: St. Martin's Press, Inc.
- Wardhaugh, R. (1990). *An Introduction to Sociolinguistics*. USA: Basil Blackwell Ltd..

همکاران علمی

کلانتری‌های رسالت، فلسطین، انقلاب و پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا در شهر تهران: جناب سرگرد ربیعی، جناب سرگرد آل‌بویه، جناب سرگرد ترومیده، جناب سرهنگ شجاعی‌فر، جناب سرگرد شبی‌پور، جناب سروان شفیعی، جناب سروان صابر محمدی.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا): جناب سرهنگ شرافتی‌پور، جناب سرهنگ حسینی، جناب آقای سلطانی‌نیا.